

## ویژگی‌های بزرگسالان، با ناتوانی‌های یادگیری خاص

دکتر پل جی. گربر<sup>۱</sup>

ترجمه ایرج صفائی‌راد

### چکیده

در این مقاله، نخست درباره آن‌دسته از ویژگی‌های حیاتی بحث شده است که برای بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری خاص مشکل‌سازند، به‌ویژه فرایندهایی روانی نظیر شناخت، ادراک، زبان و جز اینها؛ آنگاه ویژگی‌های ثانوی مرتبط با ناتوانی‌های یادگیری، خصوصاً ویژگی‌های اجتماعی، احساسی و عاطفی بررسی و شرح داده شده‌اند. در پایان، توجه خواننده به نگرش‌های نادرست درباره توانایی‌ها و قابلیت‌های بزرگسالانی که دچار ناتوانی‌های یادگیری خاص‌اند، جلب می‌شود.

### چطور به این ویژگی‌ها بنگریم (بیندیشیم)

وقتی ویژگی‌های بزرگسالانی را که از مشکلات یادگیری رنج می‌برند در نظر می‌گیریم باید ملاحظاتی را لحاظ کنیم:

اولاً: تفاوت‌های قابل توجهی در این افراد وجود دارد (گربر و ریف، ۱۹۹۱). این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که مفهوم ناتوانی‌های یادگیری، مفهوم یکپارچه‌ای نیست. یک فرد ممکن است فقط یک مشکل خاص یا مجموعه‌ای از مشکلات را داشته باشد. به‌علاوه، ناتوانی‌های یادگیری در همه افراد به یک شکل ظاهر نمی‌شود. ممکن است برخی از ناتوانی‌های یادگیری خفیف و برخی دیگر بسیار شدید باشند. افرادی که از ناتوانی‌های

یادگیری شدید رنج می‌برند کسانی هستند که با بیشترین چالش مواجه‌اند (گربر، ریف و اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱؛ دودی<sup>۲</sup> و اسمیت، ۱۹۹۴).

ثانیاً: طبق تعریف‌های رایج، این نکته مهم را باید در نظر داشته باشیم که فرد بزرگسالی که مشکلات یادگیری دارد، دارای هوش متوسط یا بالاتر از سطح متوسط است. این پهنه گسترده توانایی بدین معنی است که احتمال دارد بهره هوشی این افراد از سطح متوسط، پایین تا بالا تغییر کند، یا حتی در سطح تیزهوشی قرار داشته باشند. مورد درخور توجه در مورد کسانی که در امر یادگیری ناتوان هستند این است که میزان پیشرفت در آنان با میزان توانایی شان برابر نیست، خواه در حوزه‌های آموزشی باشد، خواه در رفتارهای کارکردی و خواه پیامد نتایج شغلی. حتی با قبول توانایی فرد به نظر می‌رسد که اختلاف قابل توجهی بین چیزی که انتظار می‌رود (توانایی بالقوه فرد) و چیزی که واقعاً انجام می‌گیرد وجود دارد (ریف، گربر و گینزبرگ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳).

و آخر اینکه، می‌دانیم که ناتوانی‌های یادگیری مشکلی پایدار هستند. یعنی وضعیتی که شخص در تمام طول عمر با آن مواجه است و در تمام مدت پیوستار رو به رشد را به وجود می‌آورد (گربر و ریف، ۱۹۹۴). برای مثال، چیزی که برای دانش‌آموزان دبستانی مشکل‌ساز است، می‌تواند بسیار متفاوت‌تر از آنچه باشد که در نوجوانی با ناتوانی‌های یادگیری بروز می‌کند. به همین ترتیب، ناتوانی‌های یادگیری در بزرگسالی، موضوعات، چالش‌ها و مسائل متفاوتی را مطرح می‌کند. بنابراین، مهم است تصدیق کنیم تجربه ناتوانی یادگیری در مراحل مختلف رشد - کودکی، نوجوانی و بزرگسالی - مفهومی متفاوت دارد. حتی در بزرگسالی که مرحله‌ای از رشد انسان است که می‌تواند تا هفتادسالگی ادامه یابد (از میانسالی یا مرحله سالخوردگی)، بسیاری از مسائل هستند که می‌توان مورد بحث قرار داد. در حوزه ناتوانی‌های یادگیری عاقلانه و حساب شده نیست که برای درک ویژگی‌های مشکلات یادگیری، صرفاً رویکردی کلی اتخاذ کنیم. یعنی

بگوییم که ناتوانایی یادگیری صرفاً یک ناتوانایی یادگیری است که هیچ ارتباطی به سن، مرحله، و یا دورهٔ رشد ندارد (گربر، ۱۹۹۲).

## ویژگی‌های حیاتی

بزرگسالانی که از مشکلات یادگیری رنج می‌برند طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های حیاتی را بروز می‌دهند که در زندگی روزانه‌شان مشکل‌ساز است (جانسون<sup>۱</sup> و بلاک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰؛ گربر و ریف، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴).

اولاً: مهارت‌های آموزشی که در دوران مدرسه فراگرفته نشده‌اند به صورت مشکل باقی می‌مانند. مشکلاتی که در زمینه‌هایی چون: خواندن، ریاضی، هجی (دیکته) و نوشتن بروز می‌کند. ممکن است در هر مورد دلایل زیادی برای فقدان کسب مهارت‌های آموزشی وجود داشته باشد. برای مثال، در مورد خواندن، این علت ممکن است ضعف شیوه‌های تقویت درک مطلب باشد. در رابطه با ریاضیات، مشکلات خودشان را در به‌کارگیری مفاهیم ریاضی و داشتن تفکر ریاضی برای استفاده در زندگی روزمره و یا در کاربردهای پیچیده‌تر نشان می‌دهند. بالاخره، در نوشتن، چه مشکل در هجی کردن باشد، چه دست‌خط و یا نحوهٔ نوشتن، ممکن است علت‌های زیادی برای این مشکلات ظاهری وجود داشته باشد.

به احتمال زیاد در هر مورد منشاء مشکل یا مشکلات دینامیک بنیادی، ناتوانی‌های یادگیری است. یعنی فرایندهای روان‌شناختی که در ایجاد آن مشکل نقش دارند. این فرایندهای روان‌شناختی، شناخت، ادراک، زبان، توجه، توانایی‌های حرکتی و مهارت‌های اجتماعی را شامل می‌شوند. این فرایندها به‌طور انفرادی بارز هستند و بر روی مهارت‌های آموزشی تأثیر می‌گذارند. ولی تأثیر آنها بر روی کل حوزه‌های عملکردی بزرگسالان چه در خانه، چه در محل کار، و چه در اجتماع یکسان است.

## ویژگی‌های ثانوی

همچنین ویژگی‌های ثانوی متعددی وجود دارند که با تجربه ناتوانی یادگیری در بزرگسالان مرتبط‌اند. این خصوصیات را می‌توان به‌عنوان مرحله بعدی بروز ناتوانی‌های یادگیری که به‌عنوان مجموعه‌ای از مکانیزم‌های عملی یا یک سری افکار و احساساتی که به‌گونه‌ای مثبت یا منفی بروز می‌کنند در نظر گرفت. به دلیل ماهیت پیچیده ناتوانی‌های یادگیری در بزرگسالی، تعمیم درباره ویژگی‌های ثانوی باید موشکافانه بررسی شود. یعنی ویژگی‌هایی که ذیلاً به بحث درباره آنها می‌پردازیم، ممکن است خود را در شکل‌های متفاوت و حول موضوعات متعددی نشان دهند. بنابراین، درک ویژگی‌های ثانوی بزرگسالان با مشکلات یادگیری (LD) باید براساس دیدگاه‌هایی صورت گیرد که در آنها بزرگسال بودن فرد و ناتوانی یادگیری و محتوای مسائلی که در تمام طول عمر ادامه دارد، در نظر گرفته می‌شود.

ویژگی‌های احساسی و اجتماعی بزرگسالانی که ناتوانی‌های یادگیری دارند بیشتر درخور توجه است. احساس کلی از فقدان شایستگی، عزت نفس پایین، و ضعف خودادراکی می‌تواند فراگیر باشد؛ (بارتون<sup>۱</sup> و فورمن<sup>۲</sup>، ۱۹۴۴). تعدادی از نویسندگان که در حوزه بزرگسالانی با ناتوانی‌های یادگیری (LD) می‌نویسند، معتقدند که این حوزه جمعیتی ناهمگون را دربر می‌گیرد که با هم تشابهات زیادی دارند. خیلی از بزرگسالان که با ناتوانی‌های یادگیری مواجه‌اند تجربیات دردناکی در طول سال‌های سن تحصیل، چه در داخل کلاس و چه در خارج از کلاس داشته‌اند و به نظر می‌رسد که آنها در زندگی بزرگسالی شان چه موفق باشند، و چه ناموفق، آن درد را هر روز در زندگیشان به همراه دارند. در نتیجه احساس کودک بودن، حماقت و بی‌کفایتی برای آنها چیز عجیبی نیست؛ (گربر، گینزبرگ و ریف، ۱۹۹۲).



خیلی از آنها ویژگی‌ای از آن زمان را با خود به دوران بزرگسالی شان آورده‌اند که ناشی از تضاد بین این دو تفکر است: «من شخصی هستم که نمی‌تواند» یا «من شخصی هستم که می‌تواند». و اغلب، نگرش‌ها و رفتارهایی را اتخاذ می‌کنند که ناشی از یک ناامیدی است که آن را آموخته‌اند (یک نوع ناامید اکتسابی است) (گروتلوسخن<sup>۱</sup>، بارکوفسکی<sup>۲</sup> و هیل<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰).

در نتیجه بسیاری از بزرگسالانی که با ناتوانی‌های یادگیری (LD) مواجهند، خودشان را ناتوان می‌بینند. به‌طور خلاصه، آنها ذاتاً احساس می‌کنند که اگر کاری را درست انجام دهند خوش‌شانس هستند و اگر کاری را بد انجام دهند احمق‌اند. حتی بزرگسالانی که معمولاً موفقیت را در زندگی‌شان تجربه کرده‌اند از اینکه بعضی وقت‌ها احساس می‌کنند شاید هستند شاکی بوده‌اند. این سندروم شاید در آنها (کلاس<sup>۴</sup>، ۱۹۸۵) همیشه باعث می‌شود که علی‌رغم موفقیت‌های گذشته، احساس کنند که آنها هنوز لایق موفقیت نیستند و اینکه بالأخره کسی درخواهد یافت که آنها واجد شرایط و لایق نیستند.

به دلیل این عوامل، این نکته قابل فهم است که بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری (LD)، اغلب احساسی از ناامیدی و ناراحتی را تجربه می‌کنند. پس از آن، فرد این بار احساسی را در بیشتر تجارب اجتماعی و یادگیری و کارهای روزمره زندگی با خود به همراه دارد (بارتون و فورمن، ۱۹۹۴). پس مواجه شدن با امور گوناگون و دشوار درحالی که نوعی تجربه احساس خودتردیدی را به همراه دارند، زمینه آسیب‌های عاطفی را در آنها فراهم می‌کند (گربر و ریف، ۱۹۹۱). به علاوه، استرس و عصبانیت در او به وجود می‌آید که خود این احساس غیرقابل کنترل می‌شود، یعنی کاری که باید انجام دهند برای آنها بسیار سخت و طاقت فرسا خواهد بود. برخی موارد هنگامی که همه چیز خیلی سخت به نظر می‌رسد، احتمال بروز واکنش‌های احساسی، طولانی و شدیدتر بیشتر می‌شود و این امر

1. Groteluschen

2. Barkowski

3. Hale

4. Clance

به طیف گسترده‌ای از مشکلات روحی شامل افسردگی منجر خواهد شد. در حیطه عاطفی و اجتماعی تعمیم درمورد انگیزه مثبت یا منفی که در بیشتر موارد خاص یک موقعیت هستند بسیار مشکل است. برای مثال، بعضی، بزرگسالانی با ناتوانی‌های یادگیری را به عنوان افرادی که دارای انگیزه کم به دلیل کثرت تجربه‌های شکست در طول دوره زندگی‌شان هستند توصیف می‌کنند. متأسفانه در اغلب موارد خود این مسئله علت است. عده دیگری، به علت‌های مختلف، در طول دوران بزرگسالی به میزان زیادی انگیزه پیدا می‌کنند. برای مثال، هنگامی که والدین بخواهند خواندن یاد بگیرند تا در زمان خواب داستان‌هایی را برای فرزندانشان بخوانند یا وقتی که بخواهند مهارت جدیدی را برای پیشرفت شغلی، اهداف بازآموزی فراگیرند، انگیزه می‌تواند افزایش یابد. به علاوه، هنگامی که بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری بخواهند زندگی‌شان را کنترل کنند - انگیزه، که موفقیت اولیه را دامن می‌زند و سپس موفقیت بیشتری را به ارمغان می‌آورد - می‌تواند جنب و جوش زیادی را به وجود آورد و منشاء انگیزه ذاتی پایدار شود.

به این امر پی برده‌اند که ویژگی‌های ثانوی خاصی برای به کنترل درآوردن زندگی فرد مؤثر هستند که این مسئله هم به نوبه خود منجر به سازش موفقیت‌آمیز بیشتر با زندگی بزرگسالی می‌شود. یک ویژگی می‌تواند این باشد که توانایی برخی از بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری (LD) علی‌رغم شکست گذشته ترمیم یابد. در خیلی از موارد، زندگی کسانی که ناتوانی‌های یادگیری (LD) دارند، به موفقیت و شکست‌هایی تقسیم می‌شود. کسانی که بدون تأثیرپذیری از شکست‌ها توانایی پیشروی دارند (و بعضی وقت‌ها به دلیل شکست تقویت شده‌اند) دارای حس بیشتری از قدرت درونی و اعتماد به نفس‌اند؛ در واقع در مواقع دشوار، اگر آنها قادر به تحمل باشند، می‌دانند که اوقات خوشی در پیش است. (گربر و دیگران، ۱۹۹۴).

ترمیم‌پذیری، مجموعه دینامیک‌هایی است که بخش‌های مختلف جمعیت

بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری (LD) را به طرق مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که همه افراد با ناتوانی‌های یادگیری (LD) قدرت ترمیم‌پذیری دارند؛ برای مثال، در مورد کسانی که معمولاً به مراکز سوادآموزی روی می‌آورند، ترمیم‌پذیری ممکن است بیشتر یک استثنا باشد تا یک قانون.

ویژگی دیگر، روش نامعمول برخی بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری (LD) در طرح‌ریزی رویکردهای یادگیری یا روش‌های مناسب در جهت تسلط بر یک کار یا یادگرفتن روش جدید است. آنها برای انجام دادن کارها، روش‌های منحصر به فردی دارند، و هنگامی که شانس و وقت یاری کند می‌توانند مشکل را به روش خودشان حل کنند. از این فرایند به عنوان خلاقیت اکتسابی نام برده شده است و گمان می‌رود در آن از فنون سازشی که در کارهایی چون استخدام، کارهای روزانه زندگی و وضعیت‌های اجتماعی به کار می‌رود، استفاده شود.

### نگرش‌های غلط کدام‌اند؟

نگرش‌های غلط در مورد بزرگسالانی با ناتوانی‌های یادگیری پیش از دوران بزرگسالی شروع می‌شود. درحقیقت اینجا یک نگرش غلط عمده در نتیجه بررسی بزرگسالانی با ناتوانی‌های یادگیری (LD) که بسیار موفق بوده‌اند به وجود آمده است. بعضی از مواقع دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری به عنوان افرادی که استعداد محدود دارند در نظر گرفته می‌شوند و خود امیدهای مبهمی را برای اصلاح دوره بزرگسالی به وجود می‌آورند. اما دانش‌آموز ۷ ساله که ناتوانی‌های یادگیری دارد، می‌تواند تبدیل به دانش‌آموز دبیرستانی ۱۷ ساله سخت‌کوش، ولی مفید ۲۷ ساله، کارفرما، عضو خانواده‌ای موفق و کمک‌کننده‌ای در گروه کاری‌اش باشد. اصولاً احتمال و شانس زیادی وجود دارد که بزرگسالان با ناتوانی یادگیری (LD) علی‌رغم شرم و شکست‌های گذشته و پیش‌بینی هولناک از مشکلات آینده به طرق گوناگون موفق باشند (گربر، ۱۹۹۲).



نگرش غلط دیگری از نگرش کلی به پیامد استخدام بزرگسالانی با ناتوانی‌های یادگیری (LD) ناشی می‌شود. ناتوانی‌های یادگیری افراد را از موفق شدن، رهبر تشکیلات بودن و بهتر بگوئیم از تخصص‌هایشان باز نمی‌دارد. نمونه‌های بی‌شماری در کل کشور از بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری (LD) وجود دارد که در حرفه، تجارت، صنعت، سیاست و هنر موفق بوده‌اند، و تبدیل به کارفرماهای مشهوری شده‌اند (ریف و دیگران، ۱۹۹۷؛ گربر، ۱۹۹۲).

با وجود این، باید به‌خاطر بسپاریم که بزرگسالان فقیر و کم‌درآمدی هم با ناتوانی‌های یادگیری وجود دارند. ناتوانی‌های یادگیری همان‌گونه که زمانی تصور می‌شد یک پدیده‌ی مربوط به طبقه‌ی متوسط نیست. بزرگسالانی با ناتوانی‌های یادگیری (LD) وجود دارند که کمتر از حد معمول به آنها رسیدگی می‌شود و اگر از طریق شبکه‌های امنیتی خدمات اجتماعی شناسایی شوند، استعداد یادگیری، مهارت خواندن، پیدا کردن شغل مناسب و مشارکت بیشتر در جامعه‌شان را به دست خواهند آورد. (یونگ<sup>۱</sup>، گربر، رد<sup>۲</sup> و کوپر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶).

و نگرش غلط آخر جنبه‌ای از پیشرفت بزرگسالان را تصدیق می‌کند که در ادبیات مرتبط با ناتوانی یادگیری بزرگسالان نوشته نشده، یا از آن صحبت نشده است. نه تنها بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری (LD)، به دلیل ناهمگنی ناتوانی‌های یادگیری متفاوت‌اند، بلکه این‌گونه افراد با توجه به دوره‌ی بزرگسالی که در حال سپری کردن آن هستند تفاوت‌هایی با هم دارند. تفاوت‌های آشکاری در ویژگی‌های جسمانی، روانی و روان‌شناسی وجود دارد که بسته به این نکته است که فرد در اوایل، اواسط، و یا اواخر دوره‌ی بزرگسالی قرار داشته باشد. تحقیقات حتی نشان داده‌اند که در افراد دیگر هم مانند اشخاصی که با مشکلات یادگیری مواجه هستند، توانایی‌های ذهنی و سایر توانایی‌ها تنزل می‌یابد (گربر، اشنايدرز<sup>۴</sup> و دیگران، ۱۹۹۰). بنابراین، بزرگسالی یک مفهوم ثابت نیست و

1. Young

2. Reder

3. Cooper

4. Schneiders



بزرگسالان دارای ناتوانی‌های یکسان نیستند و لزومی ندارد که با یک روش با آنها برخورد شود.

و آخر اینکه افراد بزرگسال با ناتوانی‌های یادگیری دارای وجوه مشترک زیادی با سایر بزرگسالانی هستند که چنین مشکلی ندارند. لحاظ کردن تفاوت‌ها بدون در نظر گرفتن تشابهات منجر به از بین رفتن تصویر اصلی می‌شود. همهٔ بزرگسالان دارای نقطهٔ ضعف و قوت هستند. آنها آرزوی استقلال، عشق و تأیید از سوی دیگران را دارند. آنها مادر، پدر، عمو و عمه هستند. آنها ممکن است کارگر باشند و ناظر و مدیر حوزهٔ کاری خود. آنها دستور جلسه‌ای (فهرستی) دارند که به دلیل نداشتن تجارب کامل در دوران بزرگسالی ناقص است. اما آنان بزرگسالان پیشرو هستند ناتوانی‌های یادگیریشان فقط قسمتی از چیزی را که در مورد آنها صادق است توضیح می‌دهد (یا قسمتی از آنچه را آنها واقعاً هستند توضیح می‌دهد).

### کتابنامه

- Barton, R., & Fuhrmann, B. 1994. "Counseling and psychotherapy for adults with learning disabilities", in: P. Gerber & H. Reiff (Eds.), *Learning Disabilities in Adulthood: Persisting Problems and Evolving Issues* (pp. 82-92), Austin, TX:PRO-ED.
- Clance, P. R. 1985. *The Impostor Phenomenon*. Atlanta: Peachtree Publishers, Ltd.
- Dowdy, C. A., & Smith, T. E. C. 1994. "Serving individuals with learning disabilities in the vocational rehabilitation system", in: P. Gerber & H. Reiff (Eds.), *Learning Disabilities in Adulthood: Persisting Problems and Evolving Issues* (pp. 171-178), Austin, TX: PRO-ED.

- Gerber, P. 1992. "Being learning disabled and a beginning teacher and teaching a class of students with learning disabilities", *Exceptionality*, 3 (4) 213-232.
- Gerber, P. J.; Ginsberg, R.; & Reiff, H. B. 1994. "Critical incidents of highly successful adults with learning disabilities", *Journal of Vocational Rehabilitation*, 4 (2) 105-112.
- Gerber, P. J.; Ginsberg, R.; & Reiff, H. B. 1992. "Identifying alterable patterns in employment success for highly successful adults with learning disabilities", *Journal of Learning Disabilities*, 25 (8) 475-487.
- Gerber, P. J.; & Reiff, H. B. 1994. *Learning Disabilities in Adulthood: Persisting Problems and Evolving Issues*, Austin, TX: PRO-ED.
- Gerber, P. J.; & Reiff, H. B. 1991. *Speaking for Themselves: Ethnographic Interviews with Adults with Learning Disabilities*. Ann Arbor: The University of Michigan Press.
- Gerber, P. J.; Schneiders, C. A.; Paradise, L. V.; Reiff, H. B.; Ginsberg, R.; & Popp, P. A. 1990. "Persisting problems of adults with learning disabilities: Self-reported comparisons from their school-age years", *Journal of Learning Disabilities*, 23, 570-573.
- Groteluschen, A.; Borkowski, J.; & Hale, C. 1990. "Strategy instruction is often insufficient: Addressing the interdependency of executive and attributional processes", In: T. Scruggs & B. Wong (Eds.), *Intervention Research in Learning Disabilities* (pp. 81-101), New York: Springer-Verlag.

- Johnson, D. & Blalock, J.W. 1990. *Adults with Learning Disabilities*. New York: Grune and Stratton.
- Reiff, H.B.; Gerber, P.J.; & Ginsberg, R. 1993. "Definition of learning disabilities from adults with learning disabilities: The insider's perspective", *Learning Disabilities Quarterly*, 16, 114-125.
- Reiff, H.B.; Gerber, P.J.; & Ginsberg, R. 1997. *Exceeding Expectations: Highly Successful Adults with Learning Disabilities*. Austin: TX: PRO-ED.
- Young, G.; Gerber, P.J.; Reder, S.; & Cooper, R. 1996, March. *Learning Disabilities and Their Impact on Poverty and Adult Literacy Issues*. Paper presented at the World Conference on Literacy, Philadelphia, Pennsylvania.